

بررسی کیفیت روابط متقابل در شبکه‌ی روابط اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی گناباد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۱۰

بی بی اقدس اصغری^۱

مریم اسکافی نوغانی^۲

حسین کاردان مقدم^۳

چکیده

تجربه اجتماعی انسان، عمدتاً با حضور در شبکه روابط متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد. این پژوهش با هدف مطالعه کیفیت و چگونگی روابط متقابل دانشجویان در قلمروهای بسیار شخصی تا حیطه‌های عمومی‌تر انجام شده است. پژوهش در سطح توصیفی-همبستگی و به کمک فن پیمایشی صورت گرفته است. جامعه آماری، شامل تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد در سال ۱۳۹۳ (۲۶۰۰ نفر) بوده که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای و بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۳۴۰ نفر از آنها به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیده‌اند. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته‌ای است که اعتبار صوری آن توسط متخصصین تأیید شده است. از مجموع کل پاسخگویان، ۹۲/۵٪ روابط متقابل با اعضای خانواده را مطلوب و ۷/۵٪ بینابین و تنها ۰/۵٪ نامطلوب ارزیابی کرده‌اند. بیشترین مطلوبیت روابط در حوزه‌های صمیمیت، احترام و همدلی، مشارکت، مشاوره و فقدان حسادت در میان شبکه روابط خانوادگی و بویژه خانواده مادری و همسایگان و کمترین آن در روابط با همکاران گزارش شده است. مقدار آزمون دی‌سامرز در مورد همبستگی بین متغیرهای مقطع تحصیلات و کیفیت رابطه متقابل، ۰/۴۴۶- بوده که در سطح معناداری ۰/۰۰۱ حاکی از وجود

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد، نویسنده مسؤؤل

a_asghari2002@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد

۳. عضو هیأت علمی (مربی) گروه مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی بیرجند

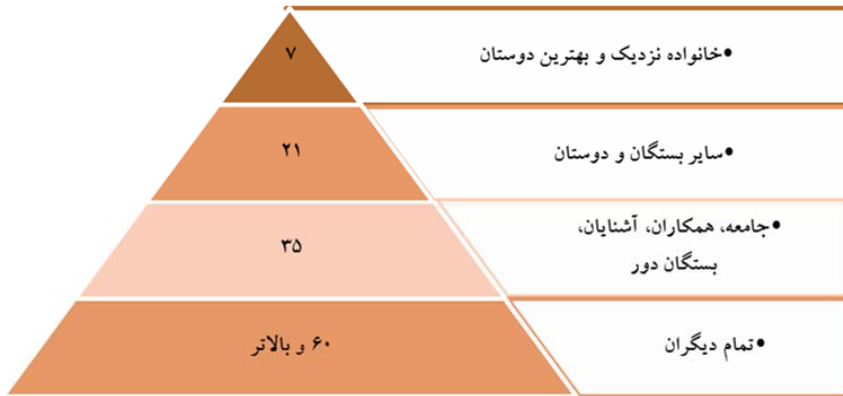
رابطه معنادار معکوس بین این دو متغیر است؛ یعنی هرچه سطح تحصیلات کمتر باشد، کیفیت روابط متقابل بهتر است و برعکس. مهم ترین و روشن ترین نتیجه پژوهش، این را نشان می دهد که در میان جامعه آماری مورد بررسی، هم چون سایر گروه ها در ایران، خانواده مهمترین سازه اجتماعی تأثیرگذار در شبکه روابط متقابل است. این امر، بیانگر این است که بیشترین سرمایه اجتماعی در جامعه مورد بررسی، در حوزه خانواده بویژه خانواده مادری وجود دارد که بیانگر انسجام معطوف به درون (درون گروهی) است. در حالی که کمترین میزان اعتماد و سرمایه اجتماعی، به فضای اشتغال و صحنه عمومی جامعه مربوط بوده که در واقع، انسجام معطوف به بیرون (برون گروهی) است. واژگان کلیدی: شبکه روابط اجتماعی، روابط متقابل، گناباد

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و در این تعامل اجتماعی است که به رشد و کمال می رسد و همین تعامل یا کنش اجتماعی متقابل است که گروه و جامعه را ایجاد می کند. پس تعامل، شرط ضروری وجود گروه است. برای تداوم گروه، عنصر عاطفه و پیوند نیز به آن اضافه می شود و به همین جهت در تعریف گروه، چنین آمده است که «عبارت است از عده ای از افراد دارای تعامل مستمر، با احساس پیوند» (صدیق اورعی، ۱۳۹۲: ۲۵). تعامل، عمل اجتماعی دو سویه است. عمل اجتماعی، در واقع دارای شش حالت است، خنثی و عاطفی. اگر دارای بار عاطفی باشد، عاطفی است و اگر بار عاطفی نداشته باشد، خنثی بوده که خود شامل برابر و نابرابر است. وقتی تعامل، بار عاطفی داشته باشد، یا مثبت (گرم) است، مانند رابطه دوستانه و صمیمی بین اشخاص؛ یا منفی (سرد) است، مانند رابطه خصمانه بین اشخاص، که این گرمی و سردی، می تواند درجه بندی شده و بر روی یک پیوستار قرار گیرد. از سوی دیگر، تعامل را می توان یک مبادله دید که در آن، چیزی بده بستان می شود. بده بستان بین طرفین تعامل، می تواند متقارن و برابر باشد، یا نامتقارن و نابرابر. البته میزان نابرابری در مبادله های نابرابر، متفاوت است. از ترکیب تعامل های سرد و گرم با تعامل های برابر و نابرابر، حداقل

چهار حالت محض قابل تصور است: ۱- تعامل سرد برابر ۲- تعامل سرد نابرابر ۳- تعامل گرم برابر ۴- تعامل گرم نابرابر. «در زندگی اجتماعی انسان‌ها، همه این حالات دیده می‌شود» (صدیق اورعی، ۱۳۹۲: ۲۲).

تعاملات اجتماعی انسان‌ها، در فضایی صورت می‌گیرد که به آن رابطه اجتماعی می‌گوییم. هیل و دانبار (Hill, and Dunbar, 2003, 55) به خوبی مطرح کرد که مردم توانایی ذاتی برای دسته‌بندی و به‌کاربردن تعدادی از روابط اجتماعی را دارند، اما نه تعداد بی‌پایان و نامحدود از این روابط. دانبار معتقد است، عدد ۱۵۰، حد میانگین روابطی است که یک شخص معمولاً می‌تواند مدیریت کند. می‌توان تشریح عدد دانبار را به مثابه‌ی یک هرم نشان داد (نمودار ۱). در رأس هرم، پیوندهای قوی، خانواده‌ی نزدیک و بهترین دوستان و کسانی که هر روز با آنها کنش متقابل داریم، قرار دارند. دانبار اندازه‌ی این گروه را به‌طور میانگین، هفت گرفت. این طبقه، دربردارنده‌ی همسر، والدین، برادر، خواهر و فرزندان مان می‌شود. طبقه‌ی دوم، "سایر بستگان" (شامل گروهی از دوستان، پسرخاله‌ها و دخترعمه‌ها، نامادری و ناپدری و مانند این‌ها) است. مردمی که لزوماً هر روز با آنها کنش متقابل نداریم، یا در نزدیک‌ترین مرتبه با ما قرار ندارند. طبقه‌ی بعدی، یک "تبار" شامل همکاران، دایره‌ی وسیع‌تری از دوستان و آشنایان و بستگان دور است. طبقه‌ی آخر، شامل همه‌ی مردم دیگر است؛ یعنی همان پیوندهای ضعیف ما (Tsvetovat & Kovznetsov, 2011: 120). دوستان فیسبوک و ... نیز در قسمت‌های خیلی پایین این هرم قرار می‌گیرند. هرچه به سمت پایین هرم می‌رویم، محتوای عاطفی و اشتراک اطلاعات و روابط، کاهش و کمیّت آن‌ها افزایش می‌یابد.



نمودار (۱) هرم دانبار (Hill, and Dunbar, 2003, 55)

همان طور که گفته شد، درونی ترین لایه را کسانی تشکیل می دهند که تعاملات عاطفی زیادی با انسان دارند. مانند اعضای خانواده، پدر، مادر، خواهر، برادر و در نهایت کسی که شدیدترین تعاملات عاطفی را با انسان دارد، همسر او است که از این طریق می تواند نیاز اساسی محبت و تعلق را در بالاترین درجه برای شخص برآورده نماید. در تعاملات، قلمروهای شخصی افراد، با یکدیگر متفاوت است. این قلمروها گاهی از روابط بسیار صمیمانه و نزدیک با افراد، تا گستره وسیعی از روابط بسیار رسمی، خشک و ضابطه مند را تشکیل می دهد. اما مروری بر تحقیقات نشان می دهد که بحث از کیفیت روابط متقابل که می تواند سرمنشأ بسیاری از مشکلات کوچک و بزرگ اجتماعی باشد، هنوز به صورت جدی و خاص، مورد توجه جامعه شناسان قرار نگرفته است. با این که یکی از مکاتب بزرگ مطرح در جامعه شناسی، مکتب کنش متقابل نمادی است، اما در حوزه تجربی، هنوز جای انجام تحقیقات مؤثر، بسیار خالی است.

جستجوی دقیق در منابع و پایگاه های اطلاعاتی نشان داد با عنوان کیفیت روابط متقابل، کار زیادی صورت نگرفته است. در زمینه روابط متقابل نیز اکثریت تحقیقات صورت گرفته مانند تحقیق (سام آرام و دیگران، ۱۳۸۹)، بسیار کلی است. در حوزه علوم اجتماعی و روانشناختی، این موضوع در شبکه های اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد که باید با شرایط خاصی انجام شود تا بتوان روابط متقابل را سنجید. از جمله رساله

دکتری اسکافی (۱۳۹۳) که نشان داده است، چگونگی و نوع روابط متقابل همسران با یکدیگر، نوع رابطه یکی از زوجین یا هر دو با خانواده همسر، نوع روابط خانواده‌های آنان با یکدیگر و نیز نوع رابطه همسران با دوستان مشترک و غیرمشترک، خود باعث بروز ناراحتی‌های زیادی شده که به طلاق عاطفی منجر گردیده است. در برخی تحقیقات دیگر نیز که رابطه با اعضای شبکه به صورت بخشی کوچک مورد مطالعه قرار گرفته است، بیانگر اهمیت نوع و کیفیت روابط متقابل در شبکه‌های اجتماعی است. از طرفی، نتایج مصاحبه‌های اکتشافی با افراد مختلف در پایگاه‌های طبقاتی متفاوت نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، نوع و کیفیت روابط آنها با اطرافیان‌شان، مشکلاتی را ایجاد کرده است که در سایر موارد، حل کردن آنها امکان‌پذیر نبوده و یا به سختی ممکن است. از این رو، در این پژوهش تلاش شده است که به بررسی نحوه رابطه متقابل افراد با یکدیگر، در قلمروهای بسیار شخصی تا حیطه‌های عمومی‌تر پرداخته شود. در پایان نیز قصد محققان این بوده است تا افراد را از لحاظ کیفیت و چگونگی روابط متقابل آنها با یکدیگر، براساس متغیرهایی چون تحصیلات و جنسیت، مورد بررسی قرار دهند. به بیان دیگر در این پژوهش، پاسخ به سؤالات زیر از اهداف محققان بوده است:

۱- روابط متقابل افراد با اعضای شبکه اجتماعی چگونه است؟

۲- سطح تحصیلات و جنسیت، چه رابطه‌ای با کیفیت روابط متقابل دارد؟

در جستجوی اثرات پیشین، محققین تنها با چند اثر مواجه شده‌اند که تا حدی رابطه مستقیم با موضوع مقاله حاضر دارند. از جمله آنها، تحقیق لطافتی و زرینی (۱۳۹۴) که میزان تحقق همدلی را بین مدرس و زبان‌آموز، مورد سنجش قرار داده است و همدلی را عنصر مهمی در روابط متقابل معرفی کرده است. تحقیق شرف‌الدین، علم‌الهدی و نوروزی (۱۳۹۳)، با تمرکز بر ارزش اسلامی "عفاف" به عنوان یکی از نمادهای ارزش‌های اسلامی و واکاوی ابعاد آن در آموزه‌های دینی و نظریه‌های ارتباطی مربوط به روابط انسانی و واسطه‌گری رایانه، به کشف چگونگی ارتباط عقیفانه در شبکه‌های اجتماعی پرداخته است. تحقیق احمدی (۱۳۸۸) نیز در بررسی تمایل به نوع دوستی در روابط اجتماعی و عوامل آن، به همدلی، مسؤولیت اجتماعی، تحلیل

هزینه و پاداش و متغیرهای جمعیتی اشاره نموده است و در آن، در قالب نظریه همدلی و مبادله و با تمرکز بر تأثیر موقعیت اجتماعی، به بررسی نوع دوستی پرداخته است. در مقاله محمدی و شهیدیان (۱۳۹۰)، راهکارهای افزایش مشارکت سیاسی با تأکید بر شناسایی روابط میان فردی در شبکه اجتماعی، مورد مطالعه قرار گرفته و اثر شبکه‌های فردی بر مشارکت، مشخص شده است. مقاله دیگری از باقری زنوز و علمی (۱۳۸۸) در بحث اعتماد اجتماعی، به عنوان یک آسیب در روابط اجتماعی صورت گرفته که متغیر تحصیلات نیز در آن می‌تواند، عامل مؤثری بر اختلال رابطه در این زمینه باشد.

مبانی نظری و طرح تحقیق

رابطه چیست؟ در یک مفهوم میان فردی، روابط می‌توانند حاکی از دوستی، نفوذ، علاقه، اطمینان یا برعکس، نپسندیدن، تعارض یا بسیاری چیزهای دیگر باشند. روابط می‌توانند یک سویه (نامتقارن یا جفتی)، یا دوسویه (متقارن یا ارزش دار) باشند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۰: ۲۴). تعامل اجتماعی همراه با تدوام، تبدیل به رابطه اجتماعی می‌شود (چلبی، ۱۳۸۶: ۲۵۲) و رابطه اجتماعی بین افراد و گروه‌ها، بر اساس هنجارها یا قراردادهای ایجاد می‌شود (شایان مهر، ۱۳۷۹: ۲۷۷). جامعه‌شناسان ممکن است پیرامون تعریف دقیق جامعه، توافقی نداشته باشند، اما پیرامون این نکات توافق دارند که رابطه اجتماعی، یکی از عناصر محوری در قلمرو جامعه‌شناسی است و دیگر این که ویژگی‌های روابط اجتماعی می‌تواند بر رفتار موجودیت‌های اجتماعی تأثیر گذار باشد (چلبی، ۱۳۸۶: ۵۰). از لحاظ تحلیلی، تعامل بالقوه دارای دو وجه عمده است یکی، وجه ابزاری و دیگری، وجه اظهاری (همان: ۱۷).

در تعامل با وجه صرفاً ابزاری، تعامل با دیگری برای کنشگر، جنبه کاملاً ابزاری دارد. این رابطه خود هدف نیست، بلکه وسیله و محملی برای رد و بدل کردن و یا کسب هدفی خاص است. نوعاً این گونه روابط، سرد و ویژه است و از صمیمیت، مبری است. روابط مبادله‌ای، پیمانی و ... از مصادیق تجربی این نوع رابطه‌ها هستند. دغدغه اصلی کنشگران در این رابطه (اعم از فردی و جمعی)، به حداکثر رساندن نفع خویش است.

خردورزی و محاسبه، اساس این نوع رابطه را تشکیل می‌دهد و رابطه ابزاری چون از کمترین پایه عاطفی برخوردار است، به سهولت می‌تواند "غریبه‌های" بیشتری را در برگیرد. برقراری روابط ابزاری و استواری آن می‌تواند باعث برقراری رابطه اجتماعی بین گروهی شود. از طریق روابط ابزاری است که گروه‌ها و اجتماعات طبیعی به روی یکدیگر و جامعه بزرگ‌تر باز می‌شوند و بدین ترتیب، نطفه‌های پیوندهای ضعیف اجتماعی در عرض جوامع بین گروه‌ها و اجتماعات گوناگون بسته می‌شود. پیوندهای ضعیف، در تحکیم انسجام کلی جامعه نقشی قوی به عهده دارند. به یک معنا، روابط ابزاری پیش‌قراولان شبکه چندگانه جامعه هستند که به صورت محرک اولیه، باعث افزایش میزان تراکم روابط در شبکه جامعه می‌شوند. اما آن‌چه افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد و باعث تکرار و دوام شدت تعاملات می‌گردد، بعد اظهاری تعامل است. بر خلاف رابطه ابزاری، رابطه اظهاری خود فی‌نفسه هدف است. نوعاً این نوع روابط گرم و انتشاری است و نوعی صمیمیت، اعتماد و تعهد در آن وجود دارد (همان: ۱۴۹-۱۵۰).

از طریق تعامل اظهاری است که "ما" یا "اجتماع" یا گروه اجتماعی شکل می‌گیرد. سنگ بنای ما یا اجتماع، تعامل است، مشروط بر این‌که تعامل، صبغه اظهاری به خود بگیرد. در این نوع روابط، کنشگران (فردی و جمعی) درگیر در رابطه، رفاه حال یکدیگر را در نظر می‌گیرند. تعلق عاطفی و معاشرت‌پذیری، اساس این نوع رابطه را تشکیل می‌دهد (همان: ۲۵۰).

به لحاظ تحلیلی، دو وضعیت کلی را می‌توان برای بسط روابط اظهاری، ورای گروه‌های اولیه در نظر گرفت. حالت اول این‌که، به موازات گسترش روابط ابزاری در جامعه، روابط اظهاری نیز ورای گروه‌های اولیه بسط می‌یابند، بدون این‌که این دو نوع رابطه در یکدیگر ترکیب شوند. در این صورت، انتظار می‌رود که گروه‌های اولیه کوچک، ورای اجتماعات طبیعی در عرض جامعه تشکیل شوند و خرده‌فرهنگ‌های خاص خود را به وجود آورند. در این وضعیت، ضمن این‌که انسجام محلی و انسجام اجتماعات طبیعی کاهش می‌یابد، به همان میزان انسجام کلی جامعه تقویت نمی‌شود. حالت دوم این‌که، به دنبال گسترش روابط ابزاری، روابط اظهاری (روابط گرم) نیز در ورای گروه‌های اولیه

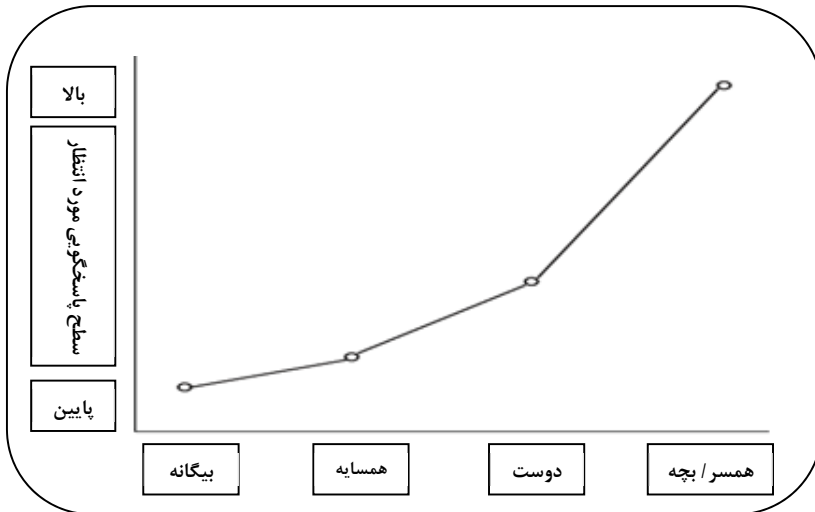
تعمیم یافته و با روابط ابزاری (روابط سرد) ترکیب شوند. براینند و نتیجه ترکیب روابط ابزاری و روابط اظهاری، روابط انجمنی است (همان: ۲۵۲). در واقع، در این مقاله محقق به بررسی انواع روابط متقابل افراد، به ترتیب درجه نزدیکی و دوری آنها با یکدیگر پرداخته است که به نوبه خود می تواند دربرگیرنده درجه ای از روابط اظهاری و ابزاری باشد.

نظریه صمیمیت^۱

صمیمیت، شامل شریک شدن در احساسات و فراهم آوردن حمایت عاطفی است. صمیمیت معمولاً مستلزم سطوح بالای خودافشایی^۲ است. صمیمیت به تدریج افزایش می یابد، وقتی نزدیکی^۳ رشد می کند و وقتی رابطه پخته می شود، صمیمیت نیز عمیق می گردد. اما در رابطه ی صمیمی پخته، بیشتر حوزه ها برای بحث و شراکت باز است. با باز کردن فضای مشارکت، با کسب اعتماد به یکدیگر و آسیب پذیر شدن نسبت به یکدیگر، افراد می توانند ساختمانی با پیوندی قوی از صمیمیت بسازند. این متفاوت است با طلب کمک، بلکه حمایت از دیگران است (Olson, Defrain an Skogrand, 2011: 253). صمیمیت، یک مفهوم گول زنده است. این واژه عموماً نزدیکی فیزیکی و تمایلات جنسی را به ذهن متبادر می نماید، اما واقعاً بسیار بیشتر از آن است. صمیمیت، نزدیکی و احساسات گرمی است که ما با افراد مشخصی داریم. فرایندی درحال پیشرفت از زندگی با افراد دیگر است و عناصر متعددی دارد. بدون صمیمیت با دیگران، زندگی خسته کننده، سرد و متروک است. صمیمیت به روابط ازدواج محدود نمی شود (همان: ۲۵۷). برای رسیدن به صمیمت بالاتر، باید خودافشایی شخصی بیشتری داشت. ارتباط صادقانه برای صمیمت، واقعیتی ضروری است. صمیمیت، شامل چند بعد است: عاطفی، اجتماعی، فکری، تفریحی و جنسی. داشتن و حفظ روابط صمیمی با بیش از چند نفر سخت است، زیرا صمیمیت در طول زمان مصرف می شود. رابطه صمیمی، رابطه ای

1. Intimacy
2. Self-disclosure
3. Closeness

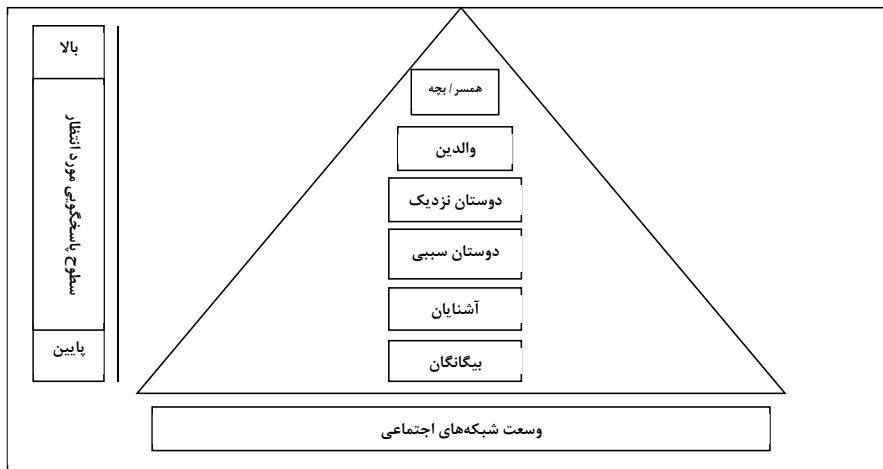
است که در آن، تجربیات صمیمانه‌ای در چند بعد در طی زمان با افرادی داشته باشیم. بیشتر مفاهیم صمیمیت، بر حضور مکرر و شدید عاطفه مثبت، با فقدان نسبی عاطفه منفی تمرکز می‌کند. همانطور که در نمودار ۲ مشخص شده است، سطوح مورد انتظار پاسخگویی در یک شبکه اجتماعی، متفاوت است. افراد از برخی همتایان انتظارات کم، از برخی در سطح متوسط و از برخی، انتظارات پاسخگویی بالایی دارند.



نمودار ۲) نمونه‌ای از نمودار گروه‌های هم‌پوشان در یک انجمن

(Reis, Clark & Holmes, 2008: 217)

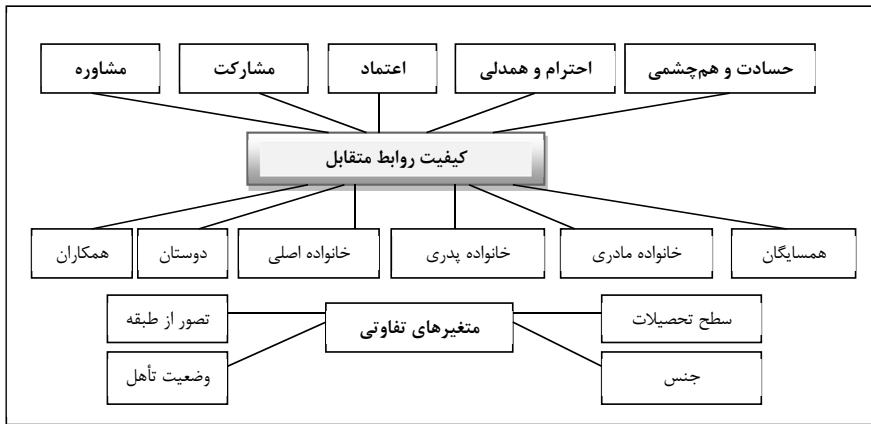
کلارک و میلز (Clark & mills, 1993 نقل از Mashek & sherman, 2008: 344) به این تفاوت‌ها به عنوان تنوع در قوت روابط عمومی، یا قدرت جمعی می‌نگرند. در زبان عامیانه، مردم اغلب از واژه نزدیک برای اشاره به این کیفیت استفاده می‌کنند. آنها در کارکرد روابط نقش، پاسخگویی مورد انتظار را براساس افرادی که با آنها در ارتباط هستیم، در نمودار ۳ به تصویر می‌کشند (Reis, Clark & Holmes, 2008: 219).



نمودار ۳) نمونه‌ای از نمودار گروه‌های هم‌پوشان در یک انجمن

(Reis, Clark & Holmes, 2008: 219)

بنابراین، براساس نظریات و تعاریف مطرح شده در باب روابط متقابل، کیفیت روابط متقابل را در این تحقیق شامل ۵ بعد اعتماد، احترام و همدلی، مشارکت، مشاوره و حسادت و هم‌چشمی می‌دانند و در ارزیابی این نوع روابط در بیان اعضای خانواده خانواده پاسخگویان، کیفیت روابط متقابل را از دیدگاه آنان رتبه‌بندی کرده‌اند. یعنی ارزیابی کیفیت روابط متقابل در واقع نشان می‌دهد دانشجویان چه نمره‌ای از هریک از خرده شاخص‌های پنج‌گانه ذکر شده در روابط متقابل اعضای خانواده خود با شبکه اجتماعی شان به آنها می‌دهند. بنابراین محققان در این تحقیق از سه جنبه به بررسی و ارزیابی کیفیت روابط متقابل در بین خانواده پاسخگویان با اعضای شبکه اجتماعی شان پرداخته‌اند. ابتدا از ۵ بعد که شاخص‌های کیفیت روابط متقابل را تشکیل داده‌اند که در بالا ذکر شد دوم در بین ۶ نوع شبکه (خانواده اصلی، خانواده پدری، خانواده مادری، همسایگان، دوستان و همکاران) و در چهار جنبه تحصیلات، جنس، وضع تأهل و طبقه ذهنی آنان، تفاوت‌ها را سنجیده‌اند. نمودار ۴ این امر را به وضوح نشان می‌دهد.



نمودار (۴) نمودار تحلیلی - تجربی پژوهش

روش پژوهش

این پژوهش در سطح توصیفی، همبستگی انجام شده است. جامعه آماری، شامل تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد در سال ۱۳۹۳ (۲۶۰۰ نفر) می‌باشد که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای، ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب و بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۳۴۰ نفر از آنها (۱۷۰ نفر زن و ۱۷۰ نفر مرد) برگزیده شده و سپس در هر طبقه، ۸۵ نفر دانشجوی مجرد و ۸۵ نفر دانشجوی متأهل به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه و زمان جمع‌آوری داده‌های این پژوهش، آبان و آذر ماه ۱۳۹۳ بوده است. در این پژوهش تلاش گردیده است که با استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد، یک پرسش‌نامه محقق ساخته ایجاد گردد. علاوه بر آن سعی شده تا از روایی صوری به منظور سنجش روایی استفاده شود. در این روش، گویه‌های لازم جهت سنجش متغیرها (به مدد روش نمره‌گذاری لیکرت) انجام شد و پس از تأیید متخصصین امر در حوزه علوم رفتاری، در پرسش‌نامه قرار داده شد. هنجارها و قراردادهای، براساس مصاحبه‌های اکتشافی و پیشینه‌های تحقیق به دست آمد. با توجه به این که روابط صمیمانه، دارای ویژگی‌هایی

هم چون اعتماد، احترام و همدلی، مشارکت، مشاوره و فقدان حس حسادت و چشم و هم چشمی می باشد، با توجه به تعداد و ابعاد مسأله و بر اساس نمره اکتسابی هر فرد در این گویه ها، در سه طبقه (کیفیت مطلوب، بینابین و نامطلوب) قرار داده شده است.

فرضیات توصیفی تحقیق

فرضیه اول: همدلی جلوه ای از صمیمیت است.

فرضیه دوم: صمیمیت، مستلزم اعتماد بین اعضای شبکه اجتماعی است.

فرضیه سوم: مشاوره و تبادل تجربیات، در روابط صمیمی امکان پذیر است.

فرضیه چهارم: مفهوم صمیمیت، بر حضور مکرر و شدید تمرکز می کند.

فرضیه پنجم: میزان نزدیکی به افراد، سطح انتظار پاسخگویی از طرف مقابل برای افراد ایجاد می کند.

لازم به ذکر است که با توجه به این که مقاله حاضر بیشتر در سطح توصیف است فرضیات بالا نیز در سطح توصیف و طبقه بندی است. در فرضیات توصیفی حتماً نیازی نیست که امار استنباطی وجود داشته باشد چون این متغیرها، همه بیانگر اجزای کیفیت روابط متقابل هستند و با وجود این متغیرها، کیفیت رابطه تغییر می کند.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

از مجموع کل پاسخگویان که ۵۰٪ زن و ۵۰٪ مرد بودند، ۳۸٪ زیر ۲۰ سال، ۵۱٪ بین ۲۰-۲۵ سال و ۱۱٪ بالای ۲۵ سال بودند. میانگین سنی افراد ۵۳/۲۴٪ بود. ۲۵/۵٪ در مقطع تحصیلی فوق دیپلم، ۶۲٪ در مقطع کارشناسی و ۱۲/۵٪ در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بودند. ۳٪ دارای تصور پایین از طبقه اجتماعی خود، ۸۷٪ دارای تصور متوسط و ۱۰٪ نیز دارای تصور بالا از طبقه اجتماعی خود بودند. ۵۰٪ افراد متأهل و ۵۰٪ آنها مجرد بودند. ۸۶/۷٪ افراد در شهر و ۱۳/۳٪ افراد در روستا سکونت داشتند. متغیر وابسته تحقیق (کیفیت روابط متقابل)، در بین شش دسته از اعضای

شبکه اجتماعی سنجش شد.

جدول (۱) توزیع پاسخگویان، بر حسب ارزیابی از کیفیت روابط متقابل در شبکه اجتماعی

ارزیابی کیفیت رابطه	خانواده منشأ	خانواده مادری	خانواده پدری	دوستان	همکاران	همسایگان
مطلوب	٪۹۲/۵	٪۶۵	٪۵۱/۵	٪۸۰	٪۲۲	٪۶۰
بینابین	٪۷/۵	٪۳۳	٪۴۴/۵	٪۱۷	٪۲۸	٪۲۵
نامطلوب	٪۰/۵	٪۲	٪۴	٪۳	٪۵۰	٪۱۲
جمع کل	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

جدول ۱ نشان می‌دهد که از مجموع کل پاسخگویان، ٪۹۲/۵ دارای روابط متقابل مطلوب با اعضای خانواده بوده‌اند که بالاترین درصد از نوع روابط مطلوب، در بین شش دسته از اعضای شبکه اجتماعی است. پس از آن از مجموع کل پاسخگویان، ٪۸۰ با دوستان و سپس به ترتیب ٪۶۵ با خانواده مادری، ٪۵۱/۵ با خانواده پدری و ٪۲۲ با همکاران، رابطه مطلوبی دارند. در بین روابط نامطلوب، بیشترین درصد (٪۵۰) متعلق به همکاران و پس از آن ٪۱۲ با همسایگان، ٪۴ با خانواده پدری، ٪۳ با دوستان، ٪۲ با خانواده مادری و تنها ٪۰/۵ متعلق به اعضای خانواده است. به این ترتیب می‌توان گفت، فرضیه چهارم و پنجم تأیید می‌گردد که مدعی است صمیمیت، بر حضور مکرر روابط متمرکز است و در اینجا کاملاً مشخص است. همان‌طور که سطح روابط از خانواده به سطوح پایین‌تر و دورتر می‌رسد، میزان صمیمیت کمتر و درصد کیفیت روابط مطلوب، کمتر می‌شود. در فرضیه پنجم نیز که مدعی است میزان نزدیکی به افراد، سطح انتظار پاسخگویی را از آنان افزایش می‌دهد، این نتیجه، دقیقاً منطبق با این فرضیه به دست آمده است.

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که توزیع پاسخگویان بر حسب متغیر کیفیت احترام و همدلی در جامعه مورد مطالعه، بر حسب دسته بندی‌های انجام شده (خانواده، دوستان، خانواده پدری، خانواده مادری، همکاران و همسایگان)، تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر دارند. بر این اساس، مشخص می‌گردد در حالی که در تمامی دسته بندی‌های مذکور، بیش از ۵۰٪ پاسخگویان از میزان احترام و همدلی مطلوب به اعضای خانواده، خانواده مادری، خانواده پدری، دوستان و همسایگان برخوردار بوده‌اند، اما این مقدار در مورد همکاران، تنها ۱۸٪ بوده است. بیشترین میزان احترام و همدلی مطلوب نسبت به اعضای خانواده و نامطلوب‌ترین میزان احترام و همدلی نسبت به همکاران بوده است. شایان ذکر است که ۶۷/۵٪ پاسخگویان، از کیفیت احترام و همدلی مطلوب با همسایگان خود برخوردارند. این نتیجه تأیید کننده فرضیه اول است که بیان می‌کند صمیمیت، مستلزم همدلی بین اعضای شبکه اجتماعی است. درصد کیفیت روابط متقابل براساس همدلی نشان داده است که هرچا همدلی و صمیمیت افراد با اعضای شبکه اجتماعی (و بر عکس) بیشتر بوده است، کیفیت روابط متقابل، مطلوب تر بوده است.

جدول (۴) توزیع پاسخگویان، بر حسب ارزیابی از کیفیت مشارکت در میان اعضاء شبکه

ارزیابی کیفیت رابطه	خانواده منشأ	خانواده مادری	خانواده پدری	دوستان	همکاران	همسایگان
مطلوب	۹۵٪	۵۸٪	۵۰٪	۷۵٪	۲۴/۵٪	۹۰٪
بینابین	۴/۵٪	۳۸/۵٪	۲۵/۵٪	۲۱٪	۵۰٪	۹٪
نامطلوب	۰/۵٪	۳/۵٪	۲۴/۵٪	۴٪	۲۰/۵٪	۱٪
جمع کل	۹۵٪	۱۰۰٪	۵۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪

جدول ۴ نشان می‌دهد که متغیر کیفیت مشارکت افراد در جامعه مورد مطالعه، بر حسب دسته بندی‌های انجام شده (خانواده، دوستان، خانواده پدری، خانواده مادری، همکاران و همسایگان)، تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر دارند. بر این اساس، مشخص می‌گردد در حالی که در تمامی دسته بندی‌های مذکور، بیش از ۵۰٪ پاسخگویان از میزان مشارکت مطلوب نسبت به اعضای خانواده، خانواده مادری، خانواده پدری، دوستان و همسایگان برخوردار بوده‌اند، اما این مقدار در مورد همکاران، تنها ۲۴/۵٪ بوده است. بیشترین کیفیت مشارکت مطلوب نسبت به اعضای خانواده و نامطلوب‌ترین میزان، مربوط به خانواده پدری بوده است.

جدول ۵) توزیع پاسخگویان، بر حسب ارزیابی از کیفیت مشاوره اعضاء با یکدیگر

ارزیابی کیفیت رابطه	خانواده منشأ	خانواده مادری	خانواده پدری	دوستان	همکاران	همسایگان
مطلوب	٪۹۸	٪۷۰	٪۷۰	٪۹۰	٪۲۵	٪۷۰
بینابین	٪۱/۵	٪۲۸	٪۱۷/۵	٪۵	٪۵۰	٪۲۰
نامطلوب	٪۰/۵	٪۲	٪۱۲/۵	٪۵	٪۲۵	٪۱۰
جمع کل	٪۹۵	٪۱۰۰	٪۵۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

جدول شماره ۵ بیانگر این است که متغیر کیفیت مشاوره اعضاء در شبکه ارتباطی در جامعه مورد مطالعه، بر حسب دسته بندی های انجام شده (خانواده، دوستان، خانواده پدری، خانواده مادری، همکاران و همسایگان)، تفاوت های چشمگیری با یکدیگر دارند. بر این اساس، مشخص می گردد در حالی که در تمامی دسته بندی های مذکور، بیش از ۵۰٪ پاسخگویان از میزان مشاوره مطلوب با اعضای خانواده، خانواده مادری، خانواده پدری، دوستان و همسایگان برخوردار بوده اند، اما این مقدار در مورد همکاران، تنها ۲۵٪ بوده است. بیشترین میزان مشاوره مطلوب، نسبت به اعضای خانواده و نامطلوب ترین میزان، نسبت به همکاران بوده است، این نتیجه تأییدکننده فرضیه سوم است که بیان می کند مشاوره و تبادل نظر در روابط صمیمی، امکان پذیر است. درصد کیفیت روابط متقابل براساس مشاوره نشان داده است که هر جا افراد با اعضای شبکه اجتماعی مشاوره بیشتری داشته اند، کیفیت روابط متقابل افراد، مطلوب تر بوده و این نشانگر صمیمیت است.

جدول ۶) توزیع پاسخگویان، بر حسب متغیر ارزیابی از کیفیت فقدان حسادت و چشم و هم چشمی

ارزیابی کیفیت رابطه	خانواده منشأ	خانواده مادری	خانواده پدری	دوستان	همکاران	همسایگان
مطلوب	٪۹۶	٪۶۰	٪۵۰	٪۹۰	٪۲۰	٪۵۰
بینابین	٪۳	٪۳۵	٪۲۷/۵	٪۹	٪۸۰	٪۴۴
نامطلوب	٪۱	٪۵	٪۲۲/۵	٪۱	٪۱۰	٪۶
جمع کل	٪۹۵	٪۱۰۰	٪۵۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

جدول ۶ نشان می‌دهد که متغیر کیفیت فقدان حسادت و چشم و هم‌چشمی، نسبت به شبکه ارتباطی افراد در جامعه مورد مطالعه، بر حسب دسته‌بندی‌های انجام شده (خانواده، دوستان، خانواده پدری، خانواده مادری، همکاران و همسایگان)، تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر دارند. بر این اساس، مشخص می‌گردد در حالی که در تمامی دسته‌بندی‌های مذکور، بیش از ۵۰٪ پاسخگویان از میزان فقدان چشم و هم‌چشمی مطلوب نسبت به اعضای خانواده، خانواده مادری، خانواده پدری، دوستان و همسایگان برخوردار بوده‌اند، اما این مقدار در مورد همکاران، تنها ۲۰٪ بوده است. بیشترین میزان فقدان چشم و هم‌چشمی (۹۶٪) نسبت به اعضای خانواده و نامطلوب‌ترین میزان، نسبت به همکاران (۱۰٪) بوده است.

نتایج آزمون فرضیات

علاوه بر فرضیه‌های توصیفی که شرح آن گذشت، چهار فرضیه رابطه‌ای نیز مطرح شد. رابطه معنادار میان ارزیابی از کیفیت روابط متقابل در شبکه‌ها، با چهار متغیر پیش‌بین (جنسیت، سطح تحصیلی، تصور از طبقه اجتماعی و وضعیت تأهل) سنجیده شد. میان سه متغیر جنسیت، تصور از طبقه و تأهل با متغیر ملاک، یعنی کیفیت روابط، هیچ رابطه معناداری پیدا نشد. اما میان متغیر سطح تحصیلات و کیفیت روابط متقابل، رابطه معنادار وجود داشت.

رابطه بین سطح تحصیلات و ارزیابی کیفیت روابط متقابل

فرضیه پژوهش مدعی است که سطح تحصیلات بر ارزیابی کیفیت روابط متقابل اثر دارد. برای آزمون این فرضیه با توجه به تعداد گروه‌ها، از آزمون مقایسه میانگین‌ها^۱ استفاده شد. نتایج این آزمون به شرح زیر است:

جدول ۷) نتیجه آزمون مقایسه میانگین ها

سطح معناداری	F	درجه آزادی	مجذور میانگین	مجموع مجذورات	کیفیت رابطه
۰/۰۰۰	۴۰/۳۴۳	۲	۹/۵۷۱	۱۹/۱۴۱	واریانس بین گروه ها
		۱۹۷	۰/۲۳۷	۴۶/۷۳۴	واریانس درون گروه ها
		۱۹۹		۶۵/۸۷۵	جمع

نتایج مندرج در جدول ۷ نشان داد که تفاوت های مشاهده شده در میانگین شاخص کیفیت و ارزیابی کیفیت روابط متقابل افراد در سطوح تحصیلی مختلف (فوق دیپلم، لیسانس، و فوق لیسانس)، قابل تعمیم به جامعه آماری است.

جدول ۸) آزمون مقایسه واریانس کیفیت رابطه متقابل افراد در مقاطع تحصیلی مختلف

اماره لوین	سطح معناداری	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱
۱۹۷/۵۴۲	۰/۰۰۰	۱۹۷	۲

نتایج آزمون لوین^۱، در جدول ۸ حاکی از آن است که واریانس درون گروهی سطوح سه گانه تحصیلی، تفاوت معناداری با یکدیگر دارد. بنابراین فرضیه پژوهش تأیید گردید. در ادامه ی تأیید فرضیه، برای مقایسه سطح تحصیلات با کیفیت روابط متقابل، از جدول تقاطعی استفاده می شود.

جدول ۹) جدول تقاطعی تفاوت بین مقطع تحصیلات با کیفیت روابط متقابل

مقطع تحصیلات	کیفیت رابطه			جمع
	مطلوب	بینابین	نامطلوب	
فوق دیپلم	٪۲۵/۵	٪۰/۰	٪۰/۰	٪۲۵/۵
لیسانس	٪۱۹/۵	٪۵/۴۲	٪۰/۰	٪۶۲/۰
فوق لیسانس	٪۶/۵	٪۰/۲	٪۰/۱۴	٪۱۲/۵
جمع	٪۵۱/۵	٪۴۴/۵	٪۰/۱۴	٪۱۰۰/۰

جدول ۹ نشان می‌دهد که از مجموع کل پاسخگویان، ۶/۵٪ افراد دارای مدرک فوق لیسانس دارای کیفیت رابطه مطلوب، ۴۲/۵٪ دارندگان مدرک لیسانس دارای کیفیت رابطه بینابین و نهایتاً ۲۵/۵٪ صاحبان مدارک فوق دیپلم دارای کیفیت رابطه مطلوب با دوستان، افراد خانواده، بستگان و همکاران بوده‌اند.

جدول ۱۰) نتایج آزمون دی سامرز

ارزش	خطای استاندارد	T	سطح معناداری
- ۴۴۶/۰	۰۶۴/۰	- ۷۹۹/۶	۰/۰۰۰
- ۴۴۶/۰	۰۶۴/۰	- ۷۹۹/۶	۰/۰۰۰

در جدول ۱۰، مقدار آزمون دی سامرز^۱ در مورد همبستگی^۲ بین دو متغیر مقطع تحصیلات و کیفیت یا چگونگی رابطه متقابل با دوستان، خانواده، همکاران و بستگان برابر با ۰/۴۴۶- بوده که این مقدار هر چند همبستگی نسبتاً ضعیفی را نشان می‌دهد، اما در سطح معناداری^۳ ۰/۰۰۱، معنادار بوده و حاکی از وجود رابطه معنادار و معکوس بین این دو متغیر است. یعنی هرچه تحصیلات کمتر باشد، کیفیت روابط متقابل، مطلوب تر است و برعکس.

رابطه میان جنسیت و ارزیابی کیفیت روابط متقابل در شبکه روابط اجتماعی فرضیه دیگری از پژوهش مدعی است که جنسیت بر سطح انتظار پاسخگویی اثر دارد. با توجه به سطح سنجش تعداد گروه‌ها، از آزمون مقایسه میانگین‌ها با دو گروه مستقل^۴ استفاده شده است. نتایج حاصل به شرح زیر می‌باشد:

-
1. D sumers
 2. Correlation
 3. Sig.
 4. T-test

جدول (۱۱) مقایسه میانگین شاخص کیفیت رابطه متقابل افراد، در دو گروه زنان و مردان

آماره‌های گروه‌ها				
کیفیت رابطه متقابل	تعداد نمونه	انحراف معیار	میانگین	انحراف استاندارد از میانگین
مرد	۱۷۰	۵۰۳/۰	۵۰/۲	۰۵۰/۰
زن	۱۷۰	۶۴۲/۰	۴۵/۲	۰۶۴/۰

جدول ۱۱ نشان می‌دهد که نمونه مورد بررسی مرکب از ۱۷۰ نفر زن و ۱۷۰ نفر مرد بوده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میانگین شاخص کیفیت روابط متقابل در بین مردان، بیشتر از زنان است (حدوداً ۰/۰۵). شاخص انحراف معیار نیز حاکی از آن است که پراکندگی شاخص کیفیت رابطه، در دو گروه با هم متفاوت است. (انحراف معیار ۵۰۳/۰ در برابر ۰/۶۴۲). مقایسه خطای میانگین نیز حاکی از آن است که مقدار این شاخص در بین مردان کمتر از زنان است (۰/۰۵۰ در برابر ۰/۰۶۴). نتایج فوق نشان دهنده توصیف متغیر کمی در سطح نمونه مورد بررسی بود. اما برای پاسخ به این سؤال که آیا تفاوت‌های موجود بین دو گروه زنان و مردان، از حیث میانگین و انحراف معیار مشاهده شده، قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد یا خیر، باید به نتایج آزمون معناداری توجه کرده و آنها را با یکدیگر مقایسه کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

تعاملات اجتماعی از عناصر بنیادین هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. در واقع روابط و پیوندها بخشی از سرمایه اجتماعی بوده که افراد از طریق آنها به منابع و ستانده‌های گروه دسترسی می‌یابند. مهم‌ترین و روشن‌ترین یافته این پژوهش بیانگر آن است که در جامعه مورد بررسی، هم‌چون سایر گروه‌ها در ایران، خانواده مهم‌ترین سازه اجتماعی تأثیرگذار در شبکه روابط متقابل است. این امر بیانگر این است که بیشترین سرمایه اجتماعی در جامعه مورد بررسی، در حوزه خانواده (بویژه خانواده مادری) وجود دارد که بیانگر انسجام معطوف به درون است. در حالی که کمترین میزان اعتماد و

سرمایه اجتماعی، به فضای اشتغال و صحنه عمومی جامعه مربوط است که در واقع، انسجام معطوف به بیرون است. نکته بسیار جالب این که بر خلاف شنیده‌ها که همیشه حکایت از زوال خرده فرهنگ همسایه‌گری دارد، داده‌های پژوهش به روشنی نشان می‌دهد که در تمام حوزه‌های سنجش کیفیت روابط متقابل، همسایگان اگر از خانواده (بویژه خانواده پدری) نزدیک تر نباشند، اغلب با آنها برابر بوده، یا فاصله اندکی دارند. نتایج نشان داد که متغیر اعتماد به شبکه ارتباطی افراد در جامعه مورد مطالعه، بر حسب دسته‌بندی‌های انجام شده (خانواده، دوستان، خانواده پدری، خانواده مادری، همکاران و همسایگان) تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر دارند. بیشترین میزان اعتماد مطلوب را پاسخگویان نسبت به اعضای خانواده و نامطلوب‌ترین میزان اعتماد را نیز به همکاران داشته‌اند. این نتیجه با نظریه صمیمیت به درستی هماهنگ است که معتقد است هرچه لایه‌های ارتباطات درونی شود، میزان صمیمیت بیشتر می‌شود و چون در این لایه‌ها، اعتماد بیشتری وجود دارد، خودافشایی نیز بیشتر است و البته نظریه دانبار را نیز به خوبی تأیید می‌کند.

ویژگی‌های تعاملی (فراوانی تماس، صمیمیت رابطه) و کارکردی خانواده (حمایت‌ها) باعث می‌شود اعضای آن رابطه‌ای گرم و صمیمی با هم داشته باشند. در بین اعضای شبکه روابط، افراد با خویشاوندان نزدیک و خانواده اصلی خود بیشتر در تعامل و ارتباط هستند و کمترین ارتباط را با همکاران خود دارند. ارتباط و تعامل با نزدیکان منجر به افزایش اعتماد به دیگران نزدیک نیز می‌شود و افراد با دیگران دور در شبکه مثل همسایه و همکار، ارتباط کمتر و اعتماد کمتری دارند. بر اساس یافته‌های به دست آمده می‌توان بیان کرد که پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های پیشین مطابقت دارد. برای نمونه می‌توان به باستان اشاره کرد. همان‌طور که در نظریه صمیمیت بیان شده است، وقتی تعداد تعاملات و حضور فیزیکی افراد افزایش می‌یابد، صمیمیت بیشتر می‌شود و این به خوبی مؤید این نتیجه است که چون ارتباط با همکاران کمتر است، همدلی نیز بین آنان کمتر می‌باشد. با توجه به نظریه صمیمیت، می‌توان درک کرد که همدلی یکی از مؤلفه‌های اصلی صمیمیت است. در نظریه صمیمیت، خودافشایی برابر

صمیمیت تعریف می‌شود. چون اعضای خانواده با یکدیگر خودافشایی بیشتری دارند، در نتیجه اعتماد و همدلی بیشتر داشته و طبیعتاً مشارکت و هم‌فکری بیشتری نیز با هم خواهند داشت.

آزمون فرضیات نشان دهنده آن است که کیفیت روابط متقابل مردان و زنان تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. میانگین شاخص کیفیت رابطه در بین مردان، بیشتر از زنان است. مردان اغلب به دلیل ارتباط با محیط بیرون و تعدد روابط، با طیف وسیع‌تری از افراد ارتباط داشته و به همان نسبت، توان سازگاری بالاتری دارند و آستانه صبر و مدارای آنها به هنگام برقراری ارتباط، بیشتر می‌باشد. این یافته را نتایج پژوهش باستان و صالحی هیکویی (۱۳۸۶) نیز تأیید می‌کند. جنسیت فی‌نفسه تفاوت ایجاد نمی‌کند، بلکه فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که به لحاظ جنسیت در جامعه برای فرد مهیا می‌شود، حائز اهمیت هستند.

یکی از یافته‌های دیگر پژوهش این است که سطح تحصیلات افراد با کیفیت روابط متقابل در شبکه، رابطه معنادار و معکوس دارد. یعنی هر چه سطح تحصیلات بالاتر می‌رود، کیفیت روابط متقابل کاهش می‌یابد. تحصیلات از دو جهت بر شبکه روابط تأثیر می‌گذارد، از یک طرف، فاصله نسلی را زیاد می‌کند و از طرف دیگر، امکان ارتباط با تعداد افراد بیشتری را برای فرد فراهم می‌نماید، به گونه‌ای که فرد می‌تواند شبکه روابط خود را انتخاب نماید، نه این‌که به اضطرار (شبکه روابط خانوادگی اضطراری است) با افراد ارتباط داشته باشد.

پیشنهاد‌های کاربردی

در این پژوهش امکان سنجش بسیاری از متغیرهای دخیل در امر کیفیت روابط میسر نگردید. پیشنهاد می‌شود تحقیقات دیگری در آینده انجام شود و در آن متغیرهای تأثیرگذار مورد مطالعه قرار گیرند.

۱- خوشبختانه خانواده هنوز در فرهنگ ما از جایگاه و منزلت بالایی برخوردار است. آموزش والدین و زوج‌های جوان در خصوص نقش راهبردی خانواده در کاهش

- آسیب‌های اجتماعی و افزایش اعتماد و سرمایه اجتماعی می‌تواند مانع کم‌رنگ شدن حضور خانواده در شبکه روابط فرد گردد.
- ۲- یافته‌ها نشان داد که فضای کاری و شغلی هنوز نتوانسته است جایگاه مناسب خود را پیدا کند و افراد روابط ناشی از همکاری را، خودی نمی‌دانند و کمترین میزان اعتماد را به آن دارند. پیشنهاد می‌شود با اجرای برنامه‌هایی میزان انعطاف‌پذیری سازمانی را افزایش داده به گونه‌ای که شکاف میان محیط خانواده و کار روزبه‌روز کمتر شود.
- ۳- پاسخگویان گرایش مثبت بیشتری به خانواده مادری در مقایسه با خانواده پدری داشتند و این حکایت از عدم تعادل در ارتباطات برون خانوادگی و احتمالاً یارکشی دارد. توصیه می‌شود والدین به این نکته توجه داشته باشند که هرگونه ارتباط جهت دار با خویشاوندان وابسته می‌تواند آرامش و نشاط خانواده را مختل کند.

منابع

- احمدی، سیروس (۱۳۸۸). "بررسی نوع دوستی در روابط روزمره اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن". *مجله جامعه‌شناسی/ایران*، دوره دهم، ش ۲ (تابستان): ۸۷-۱۰۸.
- اسکافی، مریم (۱۳۹۳). "اثر شبکه‌های اجتماعی بر طلاق عاطفی در شهر مشهد". رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- باستان، سوسن؛ صالحی هیکویی، مریم (۱۳۸۶). "سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران". *نامه علوم/اجتماعی*، دوره جدید، ش ۳۰ (بهار): ۶۳-۹۵.
- باستان، سوسن؛ کمالی، افسانه؛ صالحی هیکویی، مریم (۱۳۸۷). "سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی". *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی*، دوره شانزدهم، ش ۱۶ (تابستان): ۴۰-۸۱.
- باقری‌زنوز، بهارک؛ علمی، محمود (۱۳۸۸). "سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی،

نشانه‌های آسیب‌شناختی روابط اجتماعی در ایران". *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال دوم، ش ۵ (زمستان): ۱۲۵-۱۳۸.

- چلبی، مسعود (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.

- سام‌آرام، عزت‌اله، و دیگران (۱۳۸۹). "بررسی عوامل مؤثر بر میزان سرمایه اجتماعی در دانشگاه علامه طباطبایی". *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره هفدهم، ش ۵۱ (زمستان): ۳۹-۸۰.

- شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۹). *دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، ج ۲. تهران: کیهان.

- شرف‌الدین، حسین؛ علم‌الهدی، عبدالرسول؛ نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۳). "ارتباط عقیفانه در شبکه‌های اجتماعی سایبری". *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، سال پانزدهم، ش ۲۷ (پاییز): ۷-۳۵.

- صدیق‌اورعی، غلامرضا (۱۳۹۲). *مبانی جامعه‌شناسی*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

- لطافتی، رؤیا؛ زرینی، عاطفه (۱۳۹۴). "همدلی، الگوی رفتاری مؤثر در رابطه متقابل بین مدرس و زبان‌آموز". *دوماهنامه جستارهای زبانی*، دوره ششم، ش ۱، پیاپی ۲۲ (فروردین و اردیبهشت): ۲۲۹-۲۵۲.

- محمدی، افشین؛ شهیدیان، احمد (۱۳۹۰). "بررسی راهکارهای افزایش مشارکت سیاسی دانشجویان با تأکید بر شناسایی روابط میان‌فردی مؤثر در شبکه اجتماعی". *مطالعات رسانه‌ای*، سال ششم، ش ۱۴ (پاییز): ۱۰۵-۱۱۹.

- میرمحمد صادقی، میلاد (۱۳۹۰). *تحلیل شبکه‌های اجتماعی با Nodex L*. تهران: کیان رایانه.

- Hill, R. A.; Dunbar, RIM (2003). "Social network size in humans". *Human Nature*, Vol. 14, No. 1: 53-72.

-
- Mashek, Debra J.; Sherman, Michelle D. (2008). Desiring Less Closeness with Intimate Others, 343-356. handbook of Closeness and Intimacy. London: Lawrence Erlbaum Associates.
 - Olson, David H.; Defrain, John, Skogrand, Linda (2011). *Marriage and Families, Intimacy, Diversity and Strengths*. Boston: Mc Graw- Hill.
 - Reis, Harry T.; Clark, Margaret S.; Holmes, John G. (2008). Perceived Partner Responsiveness as an Organizing Construct in the Study of Intimacy and Closeness 201-225, handbook of Closeness and Intimacy. London: Lawrence Erlbaum Associates.
 - Tsvetovat, maksim; Kouznetsov, alexander (2011). *Social network analysis for startups*. United States of America: O'Reilly Media.

